|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **دوره دهم ـ سال اول** |  | **شماره چاپ 119** |
| **تاريخ چاپ 28/4/1395** |  | **شماره ثبت 108** |

**يك شوري**

**لايحه موافقتنامه بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب**

**به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد**

كميسيونهاي ارجاعي

اقتصادي

اصلي‌:

آموزش، تحقيقات و فناوري- اجتماعي- امنيت ملي و سياست خارجي- عمران- فرهنگي- قضائي و حقوقي

فرعي‌:

**معاونت قوانين**

**اداره كل تدوين قوانينباسمه تعالي**

**شماره 37559/53107**

**تاريخ 31/3/1395**

**معاونت امور مجلس رئيس جمهور**

هيأت وزيران در جلسه مورخ 16/3/1395 موافقت نمود:

در اجراي ماده (141) قانون آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي لوايح مندرج در فهرست پيوست كه تأييد شده به مهر«دفتر هيأت دولت» است، در دستور كار مجلس شوراي اسلامي قرار گيرد.

**اسحاق جهانگيري**

**معاون اول رئيس‌جمهور**

**شماره: 143018/52447**

**تاريخ: 3/11/1394**

**جناب آقاي دكتر لاريجاني**

**رئيس محترم مجلس شوراي اسلامي**

لايحه موافقتنامه بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب به منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد كه بنا به پيشنهاد وزارت امور اقتصادي و دارايي در جلسه مورخ 9/10/1394 هيأت وزيران به‌تصويب رسيده است، براي طي تشريفات قانوني به پيوست تقديم مي‌شود.

حسن روحاني

رئيس جمهور

**مقدمه (دلايل توجيهي):**

**با عنايت به ضرورت گسترش همكاري‌هاي اقتصادي بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب و لزوم اتخاذ تدابير قانوني براي اجتناب از أخذ ماليات مضاعف از اشخاص حقيقي و حقوقي فعال در هر دو كشور و با توجه به اهميت به‌سزاي ايجاد تسهيلات و تمهيدات مربوط و به‌منظور تضمين تداوم فعاليت‌هاي اقتصادي و نيز توسعه و ارتقاي سطح مناسبات بين دو دولت، لايحه زير براي طي مراحل قانوني تقديم مي‌شود:**

**عنوان** لايحه**:**

موافقتنامه بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب

به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد

**ماده‌واحده**- موافقتنامه بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد مشتمل بر يك مقدمه و بيست‌ونه ماده، به‌شرح پيوست تصويب و اجازه مبادله اسناد آن داده مي‌شود.

تبصره- هزينه‌هاي مالي موضوع بند(4) ماده(11) موافقتنامه، مجوز كسب درآمد غيرقانوني از جمله ربا محسوب نمي‌شود.

**وزير امور اقتصادي و دارايي رئيس‌جمهور**

**وزير امور خارجه**

**بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم**

موافقتنامه بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب

به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد

دولت جمهوري اسلامي ‌ايران و دولت پادشاهی مغرب با تمايل به انعقاد موافقتنامه‌اي به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد، به‌شرح زير توافق نمودند:

**ماده 1- اشخاص مشمول موافقتنامه**

اين موافقتنامه ناظر بر اشخاصي است كه مقيم يكي از دولتهای متعاهد يا هر دو آنها باشند.

**ماده 2- ماليات‌هاي موضوع موافقتنامه**

1- اين موافقتنامه شامل ماليات‌های بر درآمد است كه صرف‌نظر از نحوه أخذ آنها، از سوي هر دولت متعاهد يا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلي آنها وضع مي‌گردد.

2- ماليات بر درآمد عبارت است از کلیه مالیات‌های بر كل درآمد يا اجزاي درآمد از جمله ماليـات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول يا غيرمنقول، ماليات بر كل مبالغ دستمزد يا حقوق پرداختي توسط مؤسسات و همچنين ماليات بر افزايش ارزش سرمايه

3- ماليات‌هاي موجود مشمول اين موافقتنامه عبارتند از:

الف- درمورد جمهوري اسلامي ايران:

- ماليات بر درآمد

ب- درمورد پادشاهی مغرب:

ـ مالیات بر درآمد عمومی

ـ مالیات بر شرکتها

4- اين موافقتنامه شامل ماليات‌هايي كه نظير يا در اساس مشابه ماليات‌هاي موجود بوده و بعد از تاريخ امضاي اين موافقتنامه به آنها اضافه و يا به جاي آنها وضع شود نيز خواهد بود. مقامات صلاحيتدار دولتهای متعاهد، ظرف مدت معقولي يكديگر را از هر تغيير مهمی كه در قوانين مالياتي مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

**ماده 3- تعاريف كلي**

1- از لحاظ اين موافقتنامه، جز در مواردي كه سياق عبارت مفهوم ديگري را اقتضاء نمايد:

الف- اصطلاح «یک دولت متعاهد» و «دولت متعاهد دیگر» به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا مغرب اطلاق می‌شود.

ب- اصطلاح «جمهوري اسلامي‌ايران» به مناطق تحت حاكميت و يا صلاحيت جمهوري اسلامي ايران اطلاق مي‌شود.

پ- اصطلاح «مغرب» به پادشاهی مغرب اطلاق می‌شود و از نظر جغرافیایی «مغرب» شامل موارد زیر خواهد بود:

ـ قلمرو پادشاهی مغرب، دریای سرزمینی آن و

ـ مناطق دریایی ماورای دریای سرزمینی، شامل بستر دریا و زیر بستر آن (فلات‌قاره) و منطقه انحصاری اقتصادی که مغرب حقوق حاکمیت خود را مطابق با قوانین داخلی خود و حقوق بین‌الملل از لحاظ اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی مناطق مزبور اعمال می‌کند.

ت- اصطلاح «شخص» شامل شخص حقیقی، شرکت، مشارکت و هر مجموعه دیگری از افراد می‌باشد.

ث- اصطلاح «شركت» اطلاق مي‌شود به هر شخص حقوقي يا هر واحدي كه از لحاظ مالياتي به‌عنوان شخص حقوقي محسوب مي‌شود.

ج- اصطلاح «مؤسسه يك دولت متعاهد» و «مؤسسه دولت متعاهد ديگر» به ترتيب به مؤسسه‌اي كه به‌وسيله مقيم يك دولت متعاهد و مؤسسه‌اي كه به‌وسيله مقيم دولت متعاهد ديگر اداره مي‌گردد اطلاق مي‌شود.

چ- اصطلاح «حمل و نقل بين‌المللي» به هرگونه حمل و نقل توسط كشتي، یا وسائط نقليه هوايي اطلاق می‌شود كه توسط مؤسسه‌ای که محل مدیریت مؤثر آن در یک دولت متعاهد باشد انجام مي‌شود، به‌استثناي مواردي كه كشتي یا وسائط نقلیه هوايي صرفاً براي حمل و نقل بين نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

ح- اصطلاح «مقام صلاحيتدار»:

- در مورد جمهوري اسلامي ايران به وزير امور اقتصادي و دارايي يا نماينده مجاز او اطلاق مي‌شود،

- در مورد مغرب به وزیر دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می­شود.

خ- اصطلاح «تبعه» اطلاق می­شود به:

ـ هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاهد را داشته باشد،

ـ هر شخص حقوقی، مشارکت یا انجمنی که وضعیت قانونی خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاهد کسب می­نماید.

2- در اجراي اين موافقتنامه توسط يك دولت متعاهد، در هر زمان، هر اصطلاحي كه تعريف نشده باشد، داراي معناي به‌كار رفته در قوانين آن دولت، در همان زمان، راجع به ماليات‌هاي موضوع اين موافقتنامه است، به جز مواردي كه اقتضاي سياق عبارت به‌گونه‌اي ديگر باشد.

**ماده 4- مقيم**

1- از لحاظ اين موافقتنامه اصطلاح «مقيم يك دولت متعاهد» به هر شخصي اطلاق مي‌شود كه به موجب قوانين آن دولت، از حيث اقامتگاه، محل سكونت، محل ثبت، محل مدیریت يا به جهات مشابه ديگر مشمول ماليات آن دولت باشد و همچنين اين اصطلاح شامل آن دولت و تقسیمات فرعی سیاسی يا مقام محلي آن خواهد بود. با وجود اين اصطلاح مزبور شامل شخصي نخواهد بود كه صرفاً به‌لحاظ كسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول ماليات آن دولت مي‌شود.

2- در صورتي كه حسب مقررات بند (1) اين ماده شخص حقيقي، مقيم هر دو دولت متعاهد باشد، وضعيت او به‌شرح زير تعيين خواهد شد:

الف- او فقط مقيم دولتي تلقي خواهد شد كه در آن محل سكونت دائمي‌ در اختيار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سكونت دائمي ‌در اختيار داشته باشد، فقط مقيم دولتي تلقي خواهد شد كه در آن علايق شخصي و اقتصادي بيشتري دارد (مركز منافع حياتي).

ب- هرگاه نتوان دولتي را كه وي در آن مركز منافع حياتي دارد تعيين كرد يا چنانچه او در هيچ‌يك از دو دولت، محل سكونت دائمي ‌در اختيار نداشته باشد، فقط مقيم دولت متعاهدي تلقي خواهد شد كه معمولاً در آنجا به‌سر مي‌برد.

پ- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به‌سر برد يا در هيچ‌يك به‌سر نبرد، فقط مقيم دولتي تلقي مي‌شود كه تابعيت آنرا دارد.

ت- هرگاه او تابعيت هيچ‌يك از دولتها را نداشته باشد و يا در صورتي كه نتوان براساس بندهاي فوق او را مقيم يكي از دولتهای متعاهد تلقي كرد، موضوع با توافق متقابل مقامات صلاحيتدار دولتهای متعاهد حل و فصل خواهد شد.

3- در صورتي كه به موجب مقررات بند (1)، شخصي غير از شخص حقيقي، مقيم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، فقط مقيم دولتي تلقي خواهد شد كه محل مدیریت مؤثر وی در آن واقع است.

**ماده 5- مقر دائم**

1- از لحاظ اين موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابت کسب و کاری اطلاق مي‌شود كه از طريق آن، مؤسسه كلاً يا جزئاً به كسب و كار اشتغال دارد.

2- اصطلاح «مقر دائم» به‌ويژه شامل موارد زير است:

الف- محل اداره

ب- شعبه

پ- دفتر

ت- كارخانه

ث- كارگاه

ج- معدن، چاه نفت يا گاز، معدن سنگ يا هر محل ديگر اكتشاف، استخراج و يا بهره‌برداري از منابع طبيعي

چ- بازار فروش

3- اصطلاح «مقر دائم» همچنین شامل موارد زیر است:

الف- كارگاه ساختماني، پروژه ساخت، سوار كردن و يا نصب ساختمان يا فعاليت‌هاي مربوط به سرپرستي و نظارت مرتبط با آن، ولي فقط در صورتي‌كه ‌اين كارگاه، پروژه يا فعاليت‌ها بيش از نه‌ماه استقرار يا ادامه داشته باشد.

ب- ارائه خدمات از جمله خدمات مشاوره‌ای توسط مؤسسه از طریق کارکنان یا سایر افرادی که به همین منظور توسط مؤسسه به‌کار گمارده شده‌اند. اما فقط درصورتی‌که اینگونه فعالیت‌ها (برای همان پروژه یا پروژه مرتبط با آن) در یک دولت متعاهد برای مدت یا جمع مدتهایی بیش از شش‌ماه در هر دوره دوازده‌ماهه ادامه داشته باشد.

4- علي‌رغم مقررات قبلي اين ماده، اصطلاح «مقر دائم» به موارد زیر اطلاق نخواهد شد:

الف- استفاده از تأسیسات، صرفاً به‌منظور انبار كردن یا نمايش اجناس يا كالاهاي متعلق به مؤسسه

ب- نگهداري موجودی كالا يا اجناس متعلق به مؤسسه، ‌صرفاً به‌منظور انبار كردن يا نمايش

پ- نگهداري موجودی كالا يا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به‌منظور فرآوري آنها توسط مؤسسه ديگر

ت- نگهداري محل ثابت كسب و كار صرفاً به‌منظور خريد كالاها يا اجناس، ‌يا گردآوري اطلاعات براي آن مؤسسه

ث- نگهداري محل ثابت كسب و كار صرفاً به‌منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای مؤسسه داراي جنبه تمهيدي يا كمكي باشد.

ج- نگهداري محل ثابت كسب و كار صرفاً به‌منظور تركيبي از فعاليت‌هاي مذكور در جزءهاي(الف) تا (ث)، مشروط بر آنكه فعاليت كلي محل ثابت شغلي حاصل از اين تركيب، داراي جنبه تمهيدي يا كمكي باشد.

5- علي‌رغم مقررات بندهاي(1) و (2) در صورتي كه شخصي (غير از عاملي كه داراي وضعيت مستقل بوده و مشمول بند(7) است) در يك دولت متعاهد از طرف مؤسسه دولت متعاهد دیگر فعاليت كند، آن مؤسسه در دولت متعاهد نخست نسبت به هرگونه فعالیتی که آن فرد برای مؤسسه مزبور انجام می‌دهد، دارای مقر دائم تلقی خواهد شد، مشروط بر آنکه فرد مزبور:

الف- داراي اختيار انعقاد قرارداد به‌نام آن مؤسسه باشد و اختيار مزبور را به‌طور معمول اعمال كند، مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند(4) باشد، که در این‌صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

ب- دارای چنین اختیاری نباشد، اما به‌طور معمول در دولت نخست موجودی کالا یا اجناس را نگهداری کند که از طریق آن به‌طور منظم کالا یا اجناس را از طرف آن مؤسسه تحویل دهد.

6- مؤسسه‌ای که صرفاً به سبب آنكه در آن دولت از طريق حق‌العمل‌كار، دلال يا هر عامل مستقل ديگري به انجام امور مي‌پردازد، در آن دولت متعاهد داراي مقر دائم تلقي نخواهد شد مشروط بر آنكه عمليات اشخاص مزبور در جريان عادي كسب و كار آنان صورت گيرد. مع‌ذلك، هرگاه فعاليت‌هاي چنين عاملي به‌طور كامل يا تقريباً كامل به آن مؤسسه تخصيص‌يافته باشد و روابط مالی و تجاری بین این عامل و آن مؤسسه متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، از لحاظ این بند او به‌عنوان عامل داراي وضعيت مستقل قلمداد نخواهد شد.

7- صرف اينكه شركت مقيم يك دولت متعاهد، ‌شركت مقيم و يا فعال در دولت متعاهد ديگر را كنترل مي‌كند و يا تحت كنترل آن قرار دارد يا در آن دولت ديگر فعاليت تجاري انجام مي‌دهد (خواه از طريق مقر دائم و خواه به نحو ديگر) به خودي خود براي اينكه يكي از آنها مقر دائم ديگري محسوب شود، كافي نخواهد بود.

**ماده 6- درآمد حاصل از اموال غيرمنقول**

1- درآمد حاصل توسط مقيم يك دولت متعاهد از اموال غيرمنقول واقع در دولت متعاهد ديگر (از جمله درآمد حاصل از كشاورزي يا جنگلداري) مشمول ماليات آن دولت ديگر خواهد بود.

2- اصطلاح «اموال غیرمنقول» داراي همان تعريفي است كه در قوانين دولت متعاهدي كه اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده اسـت. اين اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غيرمنقـول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفـاده در كشاورزي و جنگلداري، حقوقي كه مقررات قوانين عام راجع به مالكيت اراضي، ‌در مورد آنها اعمال مي‌گردد، حق انتفاع از اموال غيرمنقول و حقوق مربوط به پرداخت‌هاي ثابت يا متغير در ازاي كار يا حق انجام كار، ذخاير معدني، سرچشمه‌ها و ساير منابع طبيعي از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود. كشتي‌ها یا وسائط نقليه هوايي به‌عنوان اموال غيرمنقول محسوب نخواهند شد.

3- مقررات بنـد(1) اين مـاده نسبـت بـه درآمد حاصل از استفاده مستقيم، اجاره يا هر شكل ديگر استفاده از اموال غيرمنقول جاري خواهد بود.

4- در صورتی که مالک سهام یا سایر حقوق شراکتي در یک شرکت یا شخص حقوقی دیگر، مالک آن سهام یا حقوق شراکتی را محق به استفاده از اموال غیرمنقول آن شرکت یا شخص حقوقی دیگر نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از این حق، مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که اموال غیرمنقول مذکور در آن قرار دارد.

5ـ مقررات بندهاي(1) و(3) اين ماده در مورد درآمد ناشي از اموال غيرمنقول مؤسسه و درآمد ناشي از اموال غيرمنقول مورد استفاده براي انجام خدمات شخصي مستقل نيز جاري خواهد شد.

**ماده 7- درآمدهاي تجاري**

1- درآمد مؤسسه يك دولت متعاهد فقط مشمول ماليات همان دولت خواهد بود مگر اينكه اين مؤسسه از طريق مقر دائم واقع در دولت متعاهد ديگر امور تجاري خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه به طريق مزبور به كسب و كار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودي كه مرتبط با مقر دائم مذكور باشد، مشمول ماليات دولت ديگر مي‌شود.

2- با رعايت مقررات بند(3) اين ماده، درصورتي كه مؤسسه يك دولت متعاهد از طريق مقر دائم واقع در دولت متعاهد ديگر فعاليت نمايد، آن مقر دائم در هر يك از دو دولت متعاهد، داراي درآمدي تلقي مي‌شود كه اگر به‌صورت مؤسسه‌اي متمايز و مجزا و كامـلاً مستقل از مؤسسه‌اي كه مقر دائم آن است به همان فعاليت‌ها يا مشابه آنها در همان شرايط يا شرایط مشابه اشتغال داشت، مي‌توانست تحصيل كند.

3- در تعيين درآمد مقر دائم، هزينه‌هاي قابل قبول از جمله هزينه‌هاي اجرائي و هزينه‌هاي عمومي ‌اداري تا حدودي كه اين هزينه‌ها براي مقاصد آن مقر دائم تخصيص‌يافته باشند، كسر خواهد شد. اعم از آنكه در دولتي كه مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذيرد، يا در جاي ديگر. مع‌ذلك چنانچه مبالغي (به‌غير از بازپرداخت هزينه‌هاي واقعي) توسط مقر دائم به دفتر مركزي مؤسسه يا ساير دفاتر آن به‌عنوان حق‌الامتياز حق‌الزحمه يا ساير پرداخت‌هاي مشابه در ازاء استفاده از حق انحصاري اختراع يا ساير حقوق، يا به‌عنوان حق‌العمل براي خدمات خاص انجام شده يا براي مديريت يا به‌عنوان هزينه مالي وام اعطاء شده به مقر دائم (به‌استثناي مؤسسات بانكي) به‌عنوان هزينه قابل قبول منظور نخواهد شد. همچنين در تعيين منافع يك مقر دائم (به‌غير از بازپرداخت هزينه‌هاي واقعي) مبالغ هزينه‌شده توسط مقر دائم براي دفتر مركزي يا ساير دفاتر آن به‌عنوان حق‌الامتياز، حق‌الزحمه يا ساير پرداخت‌هاي مشابه در ازاي استفاده از حق انحصاري اختراع يا ساير حقوق، يا به‌عنوان حق‌العمل براي خدمات خاص انجام‌شده يا براي مديريت يا به‌عنوان هزينه مالي وام اعطاء شده به دفتر مركزي مؤسسه يا ساير دفاتر آن (به‌استثناي مؤسسات بانكي) محاسبه نخواهد شد.

4- چنانچه در يك دولت متعاهد روش متعارف براي تعيين درآمد قابل تخصيص به مقر دائم براساس تسهيم كل درآمد مؤسسه به بخشهاي مختلف آن باشد، ‌مقررات بند(2) مانع به‌ كار بردن روش تسهيمي‌متعارف آن دولت متعاهد، براي تعيين درآمد مشمول ماليات نخواهد شد. در هر حال نتيجه روش تسهيمي متخذه بايد با اصول مندرج در اين ماده تطابق داشته باشد.

5- صرف آنكه مقر دائم براي مؤسسه جنس يا كالا خريداري مي‌كند،‌ موجب منظور داشتن درآمد براي آن مقر دائم نخواهد بود.

6- از لحاظ مقررات بندهای پیشین، درآمد منظورشده براي مقر دائم سال به سال به روش يكسان تعيين خواهد شد، مگر آنكه دليل مناسب و كافي براي اعمال روش ديگر وجود داشته باشد.

7- درصورتي كه درآمد شامل اقلامي‌از درآمد باشد كه طبق ساير مواد اين موافقتنامه حكم جداگانه‌اي دارد، مفاد اين ماده خدشه‌اي به مقررات آن مواد وارد نخواهد کرد.

**ماده 8- حمل و نقل بين­المللي**

1ـ درآمد حاصل بابت استفاده از كشتي‌ها یا وسائط نقليه هوايي در حمل و نقل بين‌المللي فقط مشمول ماليات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

2ـ مقررات بند (1) نسبت به درآمدهای حاصل از عضویت در یک اتحادیه، تجارت مشترک یا نمایندگی‌های عملیاتی بین‌المللی نیز جاری خواهد بود، اما فقط به آن قسمت از درآمدهای حاصله که قابل تخصیص به قدر‌السهم بابت مشارکت در فعالیت‌های مشارکتی باشد.

**ماده 9- مؤسسات شريك**

1- درصورتي كه:

الف- مؤسسه يك دولت متعاهد به‌طور مستقيم يا غيرمستقيم در مديريت، كنترل يا سرمايه مؤسسه دولت متعاهد ديگر مشاركت داشته باشد، یا

ب- اشخاصي واحد به‌طور مستقيم يا غيرمستقيم در مديريت، كنترل يا سرمايه مؤسسه يك دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد ديگر مشاركت داشته باشند.

و شرايط مورد توافق يا مقرر در روابط تجاري يا مالي بين اين دو مؤسسه، ‌متفاوت از شرايطي باشد كه بين مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدي كه بايد عايد يكي از اين مؤسسات مي‌شد، ولي به‌علت آن شرايط، عايد نشده‌است مي‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظورشده و مشمول ماليات متعلقه شود.

2- در صورتي‌كه يك دولت متعاهـد درآمدهايي كه در دولت متعاهد ديگر بابت آنها از مؤسسه آن دولـت متعاهد ديگر ماليات أخذ شده، جزء درآمدهاي مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول ماليات كند و درآمد مزبور درآمدي بـاشد كه چنانچه شرايط استقلال بين دو مؤسسه حاكم بـود، عايد مؤسسه دولت نخست مي‌شد، در اين‌صورت آن دولت مـتعاهد ديگر در ميزان ماليات متعلقه بر آن درآمد‌، تعديل مناسبي به‌عمل خواهد آورد. در تعيين چنين تعديلاتي ساير مقررات اين موافقتنامه بايد لحاظ شود و مقامات صلاحيتدار دو دولت متعاهد درصورت لزوم با يكديگر مشورت خواهند كرد.

3ـ در صورتی‌که دادرسی‌های قضائی، اداری یا هر نوع دادرسی قانونی دیگر منتهی به صدور حکم نهائی گردد که اجرای آن موجب تعدیل درآمد به موجب مقررات بند(1) شود و یکی از مؤسسات مربوط به‌واسطه تقلب، تقصير عمده یا قصور عمدی مشمول جریمه گردد، در این‌صورت مقررات بند(2) اعمال نخواهد شد.

**ماده 10- سود سهام**

1- سود سهام پرداختي توسط شركت مقيم يك دولت متعاهد به مقيم دولت متعاهد ديگر مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

2- مع‌ذلك اين سود سهام ممكن است در دولت متعاهدي كه شركت پرداخت‌كننده سود سهام مقيم آن است طبق قوانين آن دولت نيز مشمول مـاليات شود، ولي در صورتي كه مالک منافع سود سهام، مقيم آن دولت متعاهد باشد، ماليات متعلقه از ده‌درصد(10%) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد كرد. اين بند تأثيري بر ماليات شركتي كه از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت مي‌شود نخواهد داشت.

3 - اصطلاح «سود سهام» در اين ماده اطلاق مي‌شود به درآمد حاصل از سهـام، سهام منافع يا حقوق سهام منافع، سهام معدن، سهام مؤسسان يا ساير حقوق، به‌استثناي مطالبات ديون، مشاركت در منافع و درآمد حاصل از ساير حقـوق شركتي و نیز سایر درآمدهایی که طبق قوانين دولت محل اقامت شركت تقسيم‌كننده درآمـد مشمول همان رفتار مالياتي است كه در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال مي‌گردد.

4 - هرگاه مالك منافع سود سهام، مقيم يك دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد ديگر كه شركت پرداخت‌كننده سود سهام مقيم آن است، از طريق مقر دائم واقع در آن، به فعاليت شغلي بپردازد يا از پايگاه ثابت واقع در آن دولت ديگر خدمات شخصي مستقل انجام دهد و سهامي كه از بابت آن سود سهام پرداخت مي‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با اين مقر دائم يا پايگاه ثابت باشد، مقررات بندهاي(1) و (2) جاري نخواهد بود. در اين‌صورت، مقررات مواد (7) يا (14)، حسب مورد، مجري خواهد بود.

5 - در صورتي كه شركت مقيم يك دولت متعاهد، منافع يا درآمدي از دولت متعاهد ديگر تحصيل كند، آن دولت ديگر هيچ نوع مالياتي بر سود سهام پرداختي توسط اين شركت وضع نخواهد كرد، به­جز تا مقداری كه اين سود سهام به مقيم آن دولت ديگر پرداخت شود يا تا مقداری كه سهامي‌كه بابت آن سود سهام پرداخت مي‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دائم يا پايگاه ثابت واقع در آن دولت ديگر باشد و منافع تقسيم نشده شركت را نيز مشمول ماليات نخواهد كرد، حتي اگر سود سهام پرداختي يا منافع تقسيم نشده، كلاً يا جزئاً از منافع يا درآمد حاصل در آن دولت ديگر تشكيل شود.

6- علی‌رغم سایر مقررات این موافقتنامه، در صورتی‌که شرکت مقیم یک دولت متعاهد دارای مقر دائم در دولت متعاهد دیگر باشد و منافع مقر مذکور را به دفتر مرکزی واقع در خارج از آن کشور منتقل نماید، منافع مشمول مالیات به موجب بند(1) ماده(7) ممکن است در آن دولت دیگر و طبق قوانین داخلی آن مشمول مالیات تکلیفی شود، اما این مالیات از هفت‌درصد(7%) میزان منافع پس از کسر مالیات وضع‌شده بر درآمد شرکت در آن دولت دیگر تجاوز نخواهد کرد.

**ماده 11- هزينه‌هاي مالي**

1 – هزينه‌هاي مالي حاصل در يك دولت متعاهد كه به مقيم دولت متعاهد ديگر پرداخت‌شده مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

2 – مع‌ذلك، اين هزينه‌هاي مالي ممكن است در دولت متعاهدي كه حاصل‌شده و طبق قوانين آن کشور نيز مشمول ماليات شود، ولي چنانچه مالک منافع هزینه‌های مالی مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، مالیات متعلقه از ده‌درصد(10%) مبلغ ناخالص هزينه‌هاي مالي تجاوز نخواهد كرد.

3ـ علی‌رغم مقررات بند(2)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد و پرداخت‌شده به دولت یا بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

4- اصطلاح «هزینه­های مالی» به نحوي كه در اين ماده به‌كار رفته است به درآمد ناشي از هر نوع مطالبات ديني اعم از آنكه داراي وثيقه و يا متضمن حق مشاركت در منافع بدهكار باشد يا نباشد و به خصوص درآمد ناشي از اوراق بهادار دولتي و درآمد ناشي از اوراق قرضه يا سهام قرضه شامل حق بيمه و جوايز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه يا سهام قرضه مزبور اطلاق مي‌گردد. جريمه‌هاي تأخير تأديه از لحاظ اين ماده هزينه‌هاي مالي محسوب نخواهد شد.

5- هرگاه مالك منافع هزينه‌هاي مالي، مقيم يك دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد ديگري كه هزينه‌هاي مالي در آنجا حاصل‌شده از طريق مقر دائم فعاليت شغلي ‌داشته باشد يا در دولت ديگر از پايگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصي مستقل انجام دهد و مطالبات ديني كه هزينه‌هاي مالي از بابت آن پرداخت مي‌شود به‌طور مؤثر مربوط به اين مقر دائم يا پايگاه ثابت باشد، مقررات بندهاي(1) و(2) اين ماده اعمال نخواهد شد. در اين صورت حسب مورد، مقررات مواد(7) يا(14) مجري خواهد بود.

6- هزينه‌هاي مالي درصورتي حاصل‌شده در يك دولت متعاهد تلقي خواهد گرديد كه پرداخت‌كننده خود دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلي يا فردي مقيم آن دولت باشد. مع‌ذلك، در صورتي كه شخص پرداخت‌كننده هزينه‌هاي مالي، خواه مقيم يك دولت متعاهد باشد يا نباشد، در يك دولت متعاهد و در ارتباط با ديني كه هزينه‌هاي مالي به آن تعلق مي‌گيرد داراي مقر دائم يا پايگاه ثابت بوده و پرداخت اين هزينه‌هاي مالي بر عهده آن مقر دائم يا پايگاه ثابت باشد، در اين‌صورت چنين تلقي خواهد شد كه هزينه‌هاي مالي مذكور، در دولت متعاهد محل وقوع مقر دائم يا پايگاه ثابت حاصل شده است.

7- در صورتي‌كه به‌دليل وجود رابطه خاص بين پرداخت‌كننده و مالك منافع يا بين هر دوي آنها و شخص ديگري، مبلغ هزينه‌هاي مالي كه با توجه به مطالبات ديني که بابت آن پرداخت مي‌شود از مبلغي كه در صورت عدم وجود چنين ارتباطي بين پرداخت‌كننده و مالك منافع توافق مي‌شد بيشتر باشد، مقررات اين ماده فقط نسبت به مبلغ اخيرالذكر اعمال خواهد شد. در اين مورد، قسمت مازاد پرداختي طبق قوانين هريك از دولتهای متعاهد و با رعايت ساير مقررات اين موافقتنامه مشمول ماليات خواهد بود.

**ماده 12**- **حق‌الامتيازها**

1- حق‌الامتيازهايي كه در يك دولت متعاهد حاصل و به مقيم دولت متعاهد ديگر پرداخت‌شده، مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

2- مع‌ذلك، اين حق‌الامتيازها ممكن است در دولت متعاهدي كه حاصل‌شده طبق قوانين آن دولت نيز مشمول ماليات شود، ولي چنانچه مالک منافع حق‌الامتياز مقیم دولت متعاهد دیگر باشد، ماليات متعلقه از ده‌درصد(10%) مبلغ ناخالص حق‌الامتياز تجاوز نخواهد کرد.

3- اصطلاح «حق­الامتیاز» در اين ماده به هر نوع وجوه دريافت‌شده در ازاي استفاده يا حق استفاده از هر نوع حق چاپ آثار ادبي، هنري يا علمي از جمله فيلمهاي سينمايي یا فیلمها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش راديويي یا تلويزيوني یا پخش ماهواره‌ای، کابلی، فیبرنوری یا فناوری مشابه مورد استفاده برای پخش برنامه‌های عمومی، نوارهای مغناطیسی، لوح فشرده یا لوحهای فشرده لیزری(نرم‌افزار)، هرگونه حق انحصاري اختراع، علامت تجاري، طرح يا نمونه، نقشه، فرمول يا فراينـد سري، يا استفاده يا حق استفاده از تجهيزات صنعتي، بازرگاني، کشاورزی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی، کشاورزی یا علمی (دانش فنی) و همچنین کمکهای فنی اطلاق مي‌شود.

4- هرگاه مالك منافع حق‌الامتياز، مقيم يك دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد ديگر كه حق‌الامتياز حاصل مي‌شود از طريق مقر دائم واقع در آن فعاليت شغلي داشته باشد يا در دولت متعاهد ديگر از طريق پايگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصي مستقل انجام دهد و حق يا اموالي كه حق‌الامتياز نسبت به آنها پرداخت مي‌شود به‌طور مؤثري با اين مقر دائم يا پايگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهاي(1) و(2) اعمال نخواهد شد. در اين‌صورت حسب مورد، مقررات مواد (7) يا ( 14) مجري خواهد بود.

5- حق‌الامتياز در يك دولت متعاهد در صورتي حاصل‌شده تلقي خواهد شد كه پرداخت‌كننده، خود آن دولت، تقسیم فرعی سیاسی، مقام محلي يا فردي مقيم آن دولت باشد. مع‌ذلك درصورتي كه شخص پرداخت‌كننده حق‌الامتياز (خواه ‌مقيم يك دولت متعاهد باشد يا نباشد) در يك دولت متعاهد داراي مقر دائم يا پايگاه ثابت مرتبط با آن باشد كه متعهد پرداخت حق‌الامتیاز بوده و پرداخت این حق‌الامتيازها بر عهده مقر دائم يا پايگاه ثابت مذكور باشد، چنین حق‌الامتيازی در دولتی حاصل‌شده تلقي خواهد شد كه مقر دائم يا پايگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

6- چنانچه به سبب وجود رابطه‌اي خاص ميان پرداخت‌كننده و مالك منافع يا بين هر دوي آنها با شـخص ديگري، مبلغ حق‌الامتيازي كه با در نظر گرفتن استفاده، حق يا اطلاعاتي كه بابت آنها حق‌الامتياز پرداخت مي‌شود، از مبلغي كه درصورت عدم وجود چنين ارتباطي بين پرداخت‌كننده و مالك منافع توافق مي‌شد بيشتر باشد، مقررات اين ماده فقط نسبت به مبلغ اخيرالذكر مجري خواهد بود. در اينگونه موارد، قسمت مازاد پرداختي طبق قوانين هريك از دولتهای متعاهد و با رعايت ساير مقررات اين موافقتنامه مشمول ماليات باقي خواهد ماند.

**ماده 13- عوايد سرمايه‌اي**

1- عوايد حاصل توسط مقيم يك دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غيرمنقول مذكور در ماده (6) كه در دولت متعاهد ديگر قرار دارد، مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

2- عوايد ناشي از نقل و انتقال اموال منقولي كه بخشي از وسايل كسب و كار مقر دائم مؤسسه يك دولت متعاهد در دولت متعاهد ديگر مي‌باشد، يا اموال منقول متعلق به پايگاه ثابتي كه در اختيار مقيم يك دولت متعاهد به‌منظور انجام خدمات شخصي مستقل در دولت متعاهد ديگر مي‌باشد، شامل عوايد ناشي از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهايي يا همراه با كل مؤسسه) يا پايگاه ثابت مزبور، مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

3- عوايد حاصل از نقل و انتقال كشتي‌ها یا وسائط نقليه هوايي مورد استفاده در حمل و نقل بين‌المللي يا اموال منقول مرتبط با استفاده از اين كشتي‌ها یا وسائط نقليه هوايي فقط مشمول ماليات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

4- عوايد حاصل از نقل و انتقال سهام سرمایه شرکتی كه دارايي آن به‌طور مستقيم يا غيرمستقيم عمدتاً از اموال غيرمنقول واقع در یک دولت متعاهد تشكيل شده است، مشمول ماليات آن دولت متعاهد مي‌شود.

5- عوايد ناشي از نقل و انتقال هر مالي به‌غير از موارد مذكور در بندهاي (1)، (2)، (3) و (4) این ماده فقط مشمول ماليات دولت متعاهدي خواهد بود که انتقال‌دهنده مقيم آن است.

**ماده 14- خدمات شخصي مستقل**

1- درآمد حاصل توسط مقيم يك دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌اي يا ساير فعاليت‌هاي مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول ماليات خواهد بود به‌استثنای موارد زیر که درآمد مزبور در دولت متعاهد دیگر نیز مشمول مالیات می‌گردد:

الف- اين شخص به منظور ارائه فعاليت‌هاي خود به‌طور منظم پايگاه ثابتي در دولت متعاهد ديگر در اختيار داشته باشد كه در اين‌صورت اين درآمد فقط تا حدودي كه مربوط به آن پايگاه ثابت باشد، مشمول ماليات دولت متعاهد ديگر خواهد بود، یا

ب- در صورتی که اقامت شخص در دولت متعاهد دیگر در یک یا چند نوبت برابر یا بیش از صد و هشتاد و سه روز در یک دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد باشد، در این‌صورت فقط آن میزان از درآمد مزبور که از فعالیت‌های انجام‌شده وی در دولت متعاهد دیگر حاصل گردد مشمول مالیات آن دولت دیگر می­شود.

2- اصطلاح «خدمات حرفه­ای» به‌ويژه شامل فعاليت‌هاي مستقل علمي، ادبي، هنري، پرورشي یا آموزشي و همچنين فعاليت‌هاي مستقل پزشكان، وکلای دادگستری، مهندسان، معماران، دندانپزشكان و حسابداران مي‌باشد.

**ماده 15- خدمات شخصي غيرمستقل**

1- با رعايت مقررات مواد (16)، (18)، (19)، (20) و (21)، حقوق، مزد و ساير حق‌الزحمه‌هاي مشابهي كه مقيم يك دولت متعاهد به سبب استخدام دريافت مي‌دارد فقط مشمول ماليات همان دولت مي‌باشد مگر آنكه استخدام در دولت متعاهد ديگر انجام شود كه در اين صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

2- علي‌رغم مقررات بند (1)، حق‌الزحمه مقيم يك دولت متعاهد به سبب استخدامي‌كه در دولت متعاهد ديگر انجام‌شده فقط مشمول ماليات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنكه:

الف- جمع مدتي كه دريافت‌كننده در يك يا چند نوبت در دولت ديگر به‌سر برده است از صد و هشتاد و سه روز، در دوره دوازده‌ماهه‌اي كه درسال مالي مربوط شروع يا خاتمه مي‌يابد تجاوز نكند و

ب- حق‌الزحمه توسط يا از طرف كارفرمايي كه مقيم دولت ديگر نيست پرداخت شود و

پ- پرداخت حق‌الزحمه بر عهده مقر دائم يا پايگاه ثابتي نباشد كه كارفرما در دولت ديگر دارد.

3- علي‌رغم مقررات يادشده در اين ماده، حق‌الزحمه پرداختي بابت استخدام در كشتي یا وسائط نقليه هوايي مورد استفاده در حمل و نقل بين‌المللي مشمول ماليات دولت متعاهدی خواهد بود که محل مدیریت مؤثر مؤسسه در آن واقع است.

**ماده 16- حق­الزحمه مديران و مقامات عالی‌رتبه مدیریتی**

1ـ حق‌الزحمه مديران و پرداخت‌هاي مشابه ديگري كه مقيم يك دولت متعاهد به لحاظ سمت خود به‌عنوان عضو هيأت‌مديره شركت مقيم دولت متعاهد ديگر تحصيل مي‌نمايد، مشمول ماليات آن دولت ديگر مي‌شود.

2ـ حقوق، دستمزد و سایر پرداخت‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاهد به لحاظ سمت خود به‌عنوان مقام عالی‌رتبه مدیریتی شرکت مقیم دولت متعاهد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت دیگر می­شود.

**ماده 17- هنرمندان و ورزشكاران**

1- درآمدي كه مقيم يك دولت متعاهد به‌عنوان هنرمند، از قبيل هنرمند تئاتر، سينما، راديو يا تلويزيون يا موسيقيدان يا به‌عنوان ورزشكار بابت فعاليت‌هاي شخصي خود در دولت متعاهد ديگر حاصل مي‌نمايد، علي‌رغم مقررات مواد (14) و (15) مشمول ماليات آن دولت متعاهد ديگر مي‌شود.

2- درصورتي كه درآمد مربوط به فعاليت‌هاي شخصي هنرمند يا ورزشكار در سمت خود به آن هنرمند يا ورزشكار تعلق نگرفته و عايد شخص ديگري شود، آن درآمد مشمول ماليات دولت متعاهدي مي‌شود كه فعاليت‌هاي هنرمند يا ورزشكار در آن انجام مي‌گردد.

3- درآمدي كه هنرمند يا ورزشكار بابت فعاليت‌هاي خود در يك دولت متعاهد كسب مي‌نمايد در صورتي كه هزينه‌هاي مسافرت وي به آن كشور كلاً يا عمدتاً از محل بودجه عمومي‌دولت ديگر، تقسيمات فرعي سياسي يا مقامات محلي آن يا مؤسسه‌اي كه به‌عنوان مؤسسه‌اي غيرانتفاعي شناخته شده باشد تأمين گردد، از شمول بندهاي(1) و(2) اين ماده مستثني مي‌باشد. در اين‌صورت درآمد مزبور فقط در دولت متعاهد محل اقامت هنرمندان یا ورزشکاران مشمول ماليات خواهد بود.

**ماده 18- حقوق بازنشستگي و پرداخت‌های تأمین اجتماعی**

1- با رعايت مفاد بند (2) ماده (19) حقوق بازنشستگي و ساير حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختي به مقيم يك دولت متعاهد به‌ازاي خدمات گذشته فقط مشمول ماليات آن دولت خواهد بود.

2- حقوق بازنشستگي و ساير وجوه مشابهی که توسط یک دولت متعاهد یا یکی از تقسیمات فرعی سیاسی به‌صورت دوره‌ای یا موردی بابت بیمه حوادث شخصی پرداخت می‌شود فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود.

3- علي‌رغم مقررات بند(1) حقوق بازنشستگي و ساير موارد پرداختي به موجب قانون تأمين اجتماعي يك دولت متعاهد فقط در آن دولت مشمول ماليات می‌گردد.

**ماده 19- خدمات دولتي**

1-

الف- حقوق، دستمزد و ساير حق‌الزحمه‌هاي مشابه پرداختي(به‌غیر از حقوق بازنشستگی) توسط يك دولـت متعاهد يا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلي آن به شخص حقيقي بابت خدمات انجام‌شده براي آن دولت يا تقسیم فرعی یا مقام محلي فقط مشمـول ماليات آن دولت خواهد بود.

ب- مع‌ذلك، درصورتي كه خدمات در دولت متعاهد ديگر و توسط شخص حقيقي مقيم آن دولت انجام شود، اين حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول ماليات دولت متعاهد ديگر خواهد بود، مشروط بر آنكه آن شخص مقيم:

- تابع آن دولت بوده و يا

- صرفاً براي ارائه خدمات مزبور، ‌مقيم آن دولت نشده باشد.

2-

الف- هرگونه حقوق بازنشستـگي پرداختي توسط يك دولت متعاهد و يا از محل صندوق ايجادشـده از طرف آن دولت يا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلي آن به فردي در خصوص خدماتي كه براي آن دولت یا تقسیم فرعی و يا مقام مزبور انجام داده است، فقط مشمول ماليات آن دولت خواهد بود.

ب- مع‌ذلک، چنانچه شخص حقیقی مقیم و تبعه آن دولت دیگر باشد، حقوق بازنشستگی مذکور فقط در دولت متعاهد دیگر مشمول مالیات خواهد بود.

3- در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی و حقوق بازنشستگي بابت خدمات ارائه‌شده در خصوص فعاليت‌هاي تجاري كه يك دولت متعاهد يا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلي آن انجام مي‌دهد مقررات مواد (15)، (16)، (17) و (18) مجري خواهد بود.

**ماده 20- ‌محصلين و کارآموزان**

1- وجوهي كه محصل يا كارآموزي كه بلافاصله قبل از حضور در یک دولت متعاهد مقیم دولت متعاهد دیگر بوده و صرفاً به‌منظور تحصيل يا كارآموزي در دولت نخست به‌سر مي‌برد،‌ براي مخارج زندگي، ‌تحصيل يا كارآموزي خود دريافت مي‌دارد،‌ مشمول ماليات آن دولت نخواهد بود، مشروط برآنكه پرداخت‌هاي مزبور از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

2- علاوه بر آن در مورد کمک هزینه‌ها، بورسهای تحصیلی و حق‌الزحمه‌های پرداختی بابت اشتغال که شامل بند (1) نباشد، محصل یا کارآموز موصوف در بند(1) در طول مدت این تحصیل یا کارآموزی، از معافیت‌ها، بخشودگی‌ها یا تخفیفات مالیاتی یکسان با مقیمین دولتی که در آن حضور دارد بهره‌مند خواهد شد.

**ماده 21- مدرسین و محققین**

1ـ هر شخص حقیقی که به دعوت یک دولت متعاهد، دانشگاه، نهاد آموزشی یا هر مؤسسه فرهنگی غیرانتفاعی دیگر آن دولت، در اجرای برنامه مبادله فرهنگی و صرفاً به‌منظور تدریس، ارائه کنفرانس یا انجام تحقیقات در آن مؤسسه برای دوره‌ای که از دو سال تجاوز ننماید در کشور مذکور حضور یابد و بلافاصله قبل از حضور، مقیم دولت متعاهد دیگر بوده یا باشد، از مالیات بر حق‌الزحمه دریافتی بابت این فعالیت‌ها در دولت متعاهد نخست معاف خواهد بود، مشروط بر اینکه این حق‌الزحمه‌ها از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

2ـ مقررات بند(1) در مورد حق‌الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقيقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می‌باشند مجری نخواهد بود.

**ماده 22- ساير درآمدها**

1- اقلام درآمد مقيم يك دولت متعاهد كه در مواد قبلي اين موافقتنامه مورد حكم قرار نگرفته است، در هر كجا كه حاصل شود، صرفاً مشمول ماليات آن دولت خواهد بود.

2- به‌استثناي درآمد حاصل از اموال غيرمنقول به نحوي كه در بند (2) ماده (6) تعريف شده است، هرگاه دريافت‌كننده این درآمد، مقيم يك دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد ديگر از طريق مقر دائم واقع در آن به كسب و كار بپردازد يا از پايگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر خدمات شخصي مستقل انجام دهد و حق يا اموالي كه درآمد در خصوص آن پرداخت‌شده است با اين مقر دائم يا پايگاه ثابت به نحو مؤثري مرتبط باشد، مقررات بند(1) مجري نخواهد بود. در اين‌صورت حسب مورد مقررات مواد(7) و(14) اعمال خواهد شد.

**ماده 23- آيين حذف ماليات مضاعف**

1- درصورتي‌كه مقيم يك دولت متعاهد درآمدي حاصل كند كه طبق مقررات اين موافقتنامه مشمول ماليات دولت متعاهد ديگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد، مبلغي برابر با ماليات بر درآمد پرداختي در آن دولت متعاهد ديگر، ‌از ماليات بردرآمد آن مقيم كسر شود. مع‌ذلك، ‌اينگونه كسورات نبايد از ميزان ماليات بر درآمدی که در آن دولت دیگر پيش از كسر به آن درآمد تعلق مي‌گرفته، ‌بيشتر باشد.

2- درصورتي‌كه طبق هريك از مقررات اين موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقيم يك دولت متعاهد از ماليات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور مي‌تواند علي‌رغم معافيت، در محاسبه ماليات بر باقيمانده درآمد اين مقيم، ‌درآمد معاف‌شده را منظور كند.

**ماده 24- عدم تبعيض**

1- اتباع يك دولت متعاهد در دولت متعاهد ديگر، مشمول هيچ‌گونه ماليات يا الزامات مربوط به آنكه سنگين‌تر يا غير از ماليات يا الزاماتي است كه اتباع دولت ديگر تحت همان شرايط، به‌ویژه درخصوص اقامت، مشمـول آن هستند يا ممكن است مشمول آن شوند،‌ نخواهند بود. علي‌رغم مقررات ماده (1)،‌ اين مقررات شامل اشخاصي كه مقيم يك يا هر دو دولت متعاهد نيستند نيز خواهد بود.

2- اشخاص بدون تابعیتی که مقیم یک دولت متعاهد می­باشند در هر یک از دو دولت متعاهد مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزاماتی مربوط به آنکه سنگین‌تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که اتباع آن دولت تحت همان شرایط، به‌ویژه در مورد اقامت، مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود.

3ـ مالياتي كه از مقر دائم مؤسسه يك دولت متعاهد در دولت متعاهد ديگر أخذ مي‌شود نبايد از ماليات مؤسسات آن دولت متعاهد ديگر كه همان فعاليت‌ها را انجام مي‌دهند نامساعدتر باشد. اين مقررات به گونه‌اي تعبير نخواهد شد كه يك دولت متعاهد را ملزم نمايد كه هر نوع مزاياي شخصي، بخشودگي و تخفيف مالياتي را كه به علت احوال شخصيه يا مسؤوليت‌‌هاي خانوادگي به اشخاص مقيم خود اعطاء مي‌نمايد به اشخاص مقيم دولت متعاهد ديگر نيز اعطاء كند.

4- به جز در مواردي كه مقررات بند (1) ماده (9)‌، بند (7) ماده (11) يا بند (6) ماده(12) اعمال مي‌شود، هزينه‌هاي مالي، حق‌الامتياز و ساير هزينه‌هاي پرداختي توسط مؤسسه يك دولت متعاهد به مقيم دولت متعاهد ديگر از لحاظ تعيين ميزان درآمد مشمول ماليات آن مؤسسه، تحت همان شرايطي قابل كسر خواهد بود كه چنانچـه به مقـيم دولت نخست پرداخت می­شد.

5- مؤسسات يك دولت متعاهد كه سرمايه آنها كلاً يا جزئاً به‌طور مستقيم يا غيرمستقيم در مالكيت يا در كنترل يك يا چند مقيم دولت متعاهد ديگر مي‌باشد، در دولت نخست مشمول هيچ‌گونه ماليات يا الزامات مربوط به آن،‌ كه سنگين‌تر يا غير از ماليات و الزاماتي است كه ساير مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند يا ممكن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

6ـ در هیچ‌صورتی چنین تلقی نخواهد شد که مقررات این ماده مانع دولتهای متعاهد در موارد زیر باشد:

ـ وضع مالیات موضوع بند (6) ماده (10)

ـ اعمال مقررات قانون داخلی یکسان در مورد سرمایه‌گذاری رقیق و قیمت‌گذاری انتقالات برای شرکتهای خارجی

7ـ علی‌رغم مقررات ماده (2)، مقررات این ماده در مورد هر نوع مالیات با هر تعریفی مجری خواهد بود.

**ماده 25- آيين توافق دوجانبه**

1- در صورتي كه شخصی بر اين نظر باشد كه اقدامات يك يا هر دو دولت متعاهد در مورد وي از لحاظ مالياتي منتج به نتايجي شده يا خواهد شد كه منطبق با مقررات اين موافقتنامه نمي‌باشد، ‌صرف‌نظر از طرق احقاق حق   
پيش‌بيني‌شده در قوانين داخلی دولتهای مزبور، مي‌تواند اعتراض خود را به مقام صلاحيتدار دولت متعاهدي كه مقيم آن است، يا چنانچه مورد او مشمول بند (1) ماده (24) باشد به مقام صلاحيتدار دولت متعاهدي كه تبعه آن است، ‌تسليم نمايد. اعتراض بايد ظرف سه‌سال از تاريخ نخستين اطلاع از اقدامي‌كه به اعمال ماليات مغاير با مقررات اين موافقتنامه منتهي‌شده تسليم شود.

2- اگر مقام صلاحيتدار اعتراض را موجه بيابد ولي خود نتواند به راه‌حل مناسبي برسد،‌ براي اجتناب از أخذ مالياتي كه مطابق اين موافقتنامه نمي‌باشد،‌ خواهد كوشيد كه از طريق توافق متقابل با مقام صلاحيتدار دولت متعاهد ديگر موضوع را فيصله دهد. هرگونه توافق حاصله علی‌رغم محدودیت‌های زمانی موجود در قانون داخلی دولتهای متعاهد به مورد اجراء گذاشته خواهد شد.

3- مقامات صلاحيتدار دو دولت متعاهد تلاش خواهند كرد كه كليه مشكلات يا شبهات ناشي از تفسير يا اجراي اين موافقتنامه را با توافق دوجانبه فيصله دهند. آنها همچنين مي‌توانند به‌منظور حذف ماليات مضاعف در مواردي كه در اين موافقتنامه پيش‌بيني‌نشده است با يكديگر مشورت كنند.

4- مقامات صلاحيتدار دو دولت متعاهد مي‌توانند به‌منظور حصول توافق در موارد بندهاي پيشين، ‌مستقيماً با يكديگر ارتباط حاصل كنند. مقامات صلاحيتدار با مشورت يكديگر،‌ آيينها، شرايط،‌ روشها و فنون مقتضي را براي اجراي آيين توافق دوجانبه مندرج در اين ماده فراهم مي‌آورند.

**ماده 26- تبادل اطلاعات**

1- مقامات صلاحيتدار دو دولت متعاهد اطلاعات ضروري براي اجراي مقررات اين موافقتنامه يا براي اجراي قوانين داخلي دولتهای متعاهد غيرمغاير با اين موافقتنامه را كه مربوط به ماليات‌هاي مشمول اين موافقتنامه باشد، مبادله خواهند كرد. هرنـوع اطلاعاتي كه به‌وسيله يك دولت متعاهد دريافت مي‌شود، به همان شيوه‌اي كه اطلاعات به‌دست آمده تحت قوانين داخلي آن دولت نگهداري مي‌شود به‌صورت محرمانه تلقي خواهد شد و فقط براي اشخاص يا مقامات از جمله دادگاهها و مراجع اداري كه بـه امر تشخيص،‌ وصول، اجراء يا پيگيري اشتغال دارند يا در مورد پژوهش خواهيهاي مربوط به ماليات‌هاي مشمول اين موافقتنامه تصميم‌گيري مي‌كنند، فاش خواهد شد. اشخاص يا مقامات يادشده، اطلاعات را فقط براي چنين مقاصدي مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان مي‌توانند اين اطلاعات را در جريان دادرسي‌هاي علني دادگاهها يا طي تصميمات قضائي فاش سازند.

2- مقررات بند (1) در هيچ مورد به نحوي تعبير نخواهد شد كه يك دولت متعاهد را وادار سازد:

الف- اقدامات اداري خلاف قوانين و رويه اداري خود يا دولت متعاهد ديگر اتخاذ نمايد.

ب- اطلاعاتي را فراهم نمايد كه طبق قوانين يا روش اداري متعارف خود يا دولت متعاهد ديگر قابل تحصيل نيست.

پ- اطلاعاتي را فراهم نمايد كه منجر به افشاي هر نوع اسرار تجاري، ‌شغلي، صنعتي، ‌بازرگاني يا حرفه‌اي يا فرآيند تجاري شود يا افشاي آن خلاف خط‌مشي عمومي‌(نظم عمومي) باشد.

**ماده 27- اعضاي هيأتهاي نمايندگي و مأموريت‌هاي سياسي و مناصب كنسولي**

مقررات اين موافقتنامه بر امتيازات مالي اعضاي هيأتهاي نمايندگي و مأموريت‌هاي سياسي يا مناصب كنسولي كه به موجب قواعد عمومي‌حقوق بين‌الملل يا مقررات موافقتنامه‌هاي خاص از آن برخوردار مي‌باشند،‌ تأثيري نخواهد گذاشت.

**ماده 28- لازم‌الاجراء شدن**

1- دولتهای متعاهد طبق قوانين و مقررات خود اين موافقتنامه را تصويب و اسناد تصويب را در اسرع وقت مبادله خواهند كرد.

2- اين موافقتنامه با مبادله اسناد تصويب، ‌قوت قانوني خواهد يافت و مقررات آن به شرح زیر به مورد اجرا گذارده خواهد شد:

الف- در مورد ماليات‌هاي تكليفي:

ـ در جمهوري اسلامي‌ايران نسبت به مبالغ حاصل از اول فروردين (مطابق با بيست و يكم مارس) يا پس از آن در سال تقويمي، متعاقب سالي كه اين موافقتنامه لازم‌الاجراء مي‌گردد،

ـ در مغرب نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار منظور شده از اول ژانويه (مطابق با يازدهم دي‌ماه) يا پس از آن در سال تقويمي متعاقب سالي كه اين موافقتنامه لازم‌الاجراء مي‌گردد.

ب- در مورد ساير ماليات‌هاي بر درآمد:

ـ در جمهوري اسلامي ايران نسبت به ماليات‌هاي متعلقه در هر دوره مالياتي كه از اول فروردين (مطابق با بيست و يكم مارس) يا پس از آن در سال تقويمي، متعاقب سالي كه اين موافقتنامه لازم‌الاجراء مي‌گردد، شروع مي‌شود،

ـ در مغرب نسبت به هر سال یا دوره مالیاتی که از اول ژانويه (مطابق با يازدهم دي‌ماه) يا پس از آن در سال تقويمي‌ متعاقب سالي كه اين موافقتنامه لازم‌الاجراء مي‌گردد، شروع مي‌شود.

**ماده 29- فسخ**

اين موافقتنامه تا زماني كه توسط يك دولت متعاهد فسخ نشده لازم‌الاجراء خواهد بود. هريك از دولتهای متعاهـد مي‌تواند اين موافقتنامه را از طريق مجاري سياسي، با ارائه يادداشت فسخ، حداقل شش‌ماه قبل از پايان هر سال تقويمي‌ بعد از دوره پنجساله از تاريخي كه موافقتنامه لازم‌الاجراء مي‌گردد،‌ فسـخ نمايد. در اين‌صورت اين موافقتنامه در موارد زیر اعمال نخواهد شد:

الف- در مورد مالیات‌های تكليفي:

ـ در جمهوري اسلامي ايران، نسبت به مبالغ حاصل از اول فروردين (مطابق با بيست و يكم مارس) يا پس از آن در سال تقويمي متعاقب سالي كه يادداشت مزبور تسليم شده است،

ـ در مغرب، نسبت به مبالغ پرداختی یا اعتبار منظور شده از اول ژانويه (مطابق با يازدهم دي‌ماه) يا پس از آن در سال تقويمي متعاقب سالي كه يادداشت مزبور تسليم شده است.

ب- در مورد ساير ماليات‌هاي بر درآمد:

ـ در جمهوري اسلامي ايران، نسبت به ماليات‌هاي متعلقه در هر دوره مالياتي كه از اول فروردين (مطابق با بيست و يكم مارس) يا پس از آن در سال تقويمي ‌متعاقب سالي كه يادداشت مزبور تسليم شده است، شروع مي‌شود،

- در مغرب، برای هر سال یا دوره مالیاتی که از اول ژانويه (مطابق با يازدهم دي‌ماه) يا پس از آن در سال تقويمي متعاقب سالي كه يادداشت مزبور تسليم شده است، شروع مي‌شود.

در تأیید مراتب فوق امضاءكنندگان زير كه از طرف دولت متبوع خود مجاز مي‌باشند، اين موافقتنامه را امضاء نمودند.

اين موافقتنامه در تهران در دو نسخه در تاريخ 6/12/1386 هجـري شمسي برابر با 25/2/2008 ميلادي به زبانهاي فارسي، عربی، فرانسوی و انگلیسی تنظيم گرديد كه همه متون از اعتبار يكسان برخوردار می­باشند. در صورت اختلاف در تفسير، متن انگلیسی حاكم خواهد بود.

|  |  |
| --- | --- |
| **از طرف دولت** | **از طرف دولت** |
| **جمهوري اسلامي‌ايران**  **دكتر سيد مسعود ميركاظمي**  **وزير بازرگاني** | **پادشاهی مغرب**  **دكتر عبداللطيف معزوز**  **وزير تجارت خارجي** |

**هيأت‌رئيسه محترم مجلس شوراي اسلامي**

احتراماً، در اجراي آيين‌نامه داخلي مجلس شوراي اسلامي‌و ماده (4)   
قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر معاونت قوانين در مورد لايحه **موافقتنامه بين جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات مضاعف در مورد ماليات‌هاي بر درآمد** تقديم مي‌گردد.

**معاون قوانين**

**نظر اداره‌كل تدوين قوانين**

**معاون محترم قوانين**

**احتراماً در اجراي بندهاي (2) و (4) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:**

**1- سابقه تقديم:**

**ماده 134 -** ■ قبلاً تقديم نگرديده است

**-** □ قبلاً در جلسه علني شماره مورخ تقديم و در تاريخ در □ مجلس/ □ كميسيون

(موضوع اصل 85 قانون اساسي) رد شده و اينك:

□ با تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي 50 نفر از نمايندگان (مشروط به تصويب مجلس)

□ بدون تغيير اساسي

□ با تقاضاي كتبي كمتر از 50 نفر از نمايندگان

□ پيش از انقضاء شش ماه

□ با انقضاء شش ماه

□ مي‌باشد.

□ نمي‌باشد.

مجدداً قابل پيشنهاد به مجلس

**2- در اجراي بند (2) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور:**

■ رعايت شده‌است.

□ رعايت شده‌است. (با اعمال نظر كارشناسي)

□ رعايت نشده‌است، دلايل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.

در لايحه تقديمي آيين‌نگارش قانوني و ويرايش ادبي

**3- از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (شكلي):**

**الف- ماده 131-**

**■دارد**

**□ ندارد**

اول**-** موضوع و عنوان مشخص

**■دارد**

**□ ندارد**

دوم**-** دلايل لزوم تهيه و پيشنهاد در مقدمه

**■دارد**

**□ ندارد**

سوم- موادي متناسب با اصل موضوع و عنوان

**■دارد**

**□ ندارد**

**ب- ماده 136-** امضاء مقامات مسؤول را

■ نمي‌باشد.

□ مي‌باشد.

■ ماده واحده

□ مواد متعدد

■ يك‌موضوع ا

□ بيش‌از‌يك‌موضوع

**ج- ماده 142-** لايحه تقديمي داراي است و پيشنهاد آن به عنوان مواجه با ايراد

**4- در اجراي بند(4) ماده(4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389:**

**اول: از نظر قانون اساسي؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد. اصل/ اصول مغاير و دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌گردد.**

**لايحه تقديمي با قانون اساسي بطوركلي مغايرت**

**دوم: از نظر سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**لايحه تقديمي با سياست‌هاي كلي نظام و سند چشم‌انداز مغايرت**

**سوم: از نظر قانون برنامه؛**

**■ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**لايحه تقديمي با قانون برنامه مغايرت**

**چهارم: از نظر آيين‌نامه داخلي مجلس (ماهوي)؛**

**□ ندارد.**

**□ دارد، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**الف- لايحه تقديمي با قانون آيين‌نامه داخلي مجلس مغايرت**

**■ شده است.**

**□ نشده است، دليل مغايرت به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**ب- ماده 144- رعايت اصل هفتاد و پنجم قانون اساسي**

2

3

**■ ندارد.**

**□ دارد.**

**■ نمي‌شود**

**□ مي‌شود**

**ج- ماده 185- موجب اصلاح يا تغيير برنامه مصوب و نياز به رأي نمايندگان**

**تعداد** .......... **برگ اظهارنظر به ضميمه تقديم مي‌شود.**

**مديركل تدوين قوانين**

**\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_**

**□ ندارد.**

**□ دارد.**

**5- لايحه تقديمي از حيث پيشگيري از وقوع جرم با بند(5) اصل(156) قانون اساسي مغايرت**

**معاونت اجتماعي و پيشگيري از وقوع جرم قوه قضائيه**

**ضميمه نظر اداره‌كل تدوين قوانين**

**بيان مستندات و دلايل مغايرت:**

|  |
| --- |
|  |

**نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

**معاون محترم قوانين**

احتراماً در اجراي بندهاي (1) و (3) ماده (4) قانون تدوين و تنقيح قوانين و مقررات كشور مصوب 25/3/1389 نظر اين اداره‌كل به شرح زير تقديم مي‌گردد:

1. **در اجراي بند (1):**

□ وجود ندارد

□ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود.

**الف-** درخصوص لايحه تقديمي قوانين متعارض

□ وجود ندارد

□ وجود دارد كه به شرح ضميمه تقديم مي‌شود.

**ب-** درخصوص لايحه تقديمي قوانين مرتبط

1. **در اجراي بند (3):**

□ لازم است.

□ لازم نيست.

با عنايت به بررسيهاي به عمل آمده قانونگذاري در اين موضوع

تعداد يك برگ فهرست سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري به ضميمه تقديم مي‌شود.

**مديركل اسناد و تنقيح قوانين**

**ضميمه نظر اداره‌كل اسناد و تنقيح قوانين**

سوابق قانوني و دلايل ضرورت قانونگذاري

**- سوابق قانوني**

**فهرست سوابق قانونی لايحه** موافقتنامه بين دولت جمهوري اسلامي ايران و پادشاهي مغرب به‌منظور اجتناب از أخذ ماليات‌مضاعف و جلوگيري از فرار مالياتي درمورد ماليات‌هاي بر درآمد

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **رديف** | **عنوان** | **تاريخ تصويب** | **مواد** | **مرتبط** |
| **1** | **قانون مالياتهاي مستقيم با اصلاحات و الحاقات** | **3/12/1366** | **باب ماليات بر درآمد**  **52الي132** |  |